

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه. روز جهانی نیروهای کار



اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران را به همه زنان و مردانی که علیه استثمار و ستم و برای جهانی انسانی مبارزه می کنند شادباش می گوئیم. نیروهای کار در سراسر جهان در مبارزه طبقاتی خود همواره اول ماه مه را نه فقط به عنوان روز جشن و همبستگی، بلکه به عنوان روزی که پیکار علیه فقر و بندگی وارد مرحله نوینی شد می نگرند.

پیکار کارگران و فرودستان علیه فقر، بی خانمانی، استبداد و عقب ماندگی راهی طولانی همراه با پیروزیها و شکستها را طی کرده و این نبرد خستگی ناپذیر همچنان ادامه دارد.

گفته ایم و تکرار می کنیم که چهره ضد انسانی نظام سرمایه داری جهانی را می توان در افزایش شکاف طبقاتی و غارت دسترنج کارگران و فرودستان، در خصوصی سازیهای غارتگرانه، نابودی نظام آموزشی و بهداشت همگانی، در هزینه های سرسام آور جنگ، نظامیگری، انباشت سلاحهای مخرب، تروریسم و بنیادگرایی، در کاهش شاخصهای محیط زیست، در ناامنی معیشتی جوامع و سقوط سطح زندگی اکثریت مردم و در تشدید فقر، بی خانمانی و مهاجرت بازشناخت.

کارورزان آگاه و پیشرو در تمامی کشورها که شاهد چپاول سرمایه داری نولیبرال و قدرتهای مدافع آن هستند، سرانجام خواهند توانست نظم ستمگران و نیروهای مدافع استثمار و بردگی را برانداخته و پا در راه انسانی شدن جهان و تغییر زیست از خودبیگانه ساز نیروهای کار به انسان محور شدن جامعه بگذارند. جهان بدون تبعیض، ستم و استثمار و در یک کلام جهان سوسیالیستی نه اتوپیا و توهم است و نه دست نیافتنی؛ میلیونها انسان که در یک صد سال اخیر علیه بردگی نوین برآشوبیده اند، چشم انداز واقعی چنین جهانی را نوید دادند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک سازمان مدافع آزادی و سوسیالیسم که برای تحقق جهان انسانی و رها از ستم طبقاتی و بهره کشی تلاش می کند، در پیوند با جبهه جهانی ضد سرمایه داری، وظیفه مقدم خود را برانداختن قدرت ستمگر حاکم بر ایران می داند.

زنان و مردان کارورز، گردانهای جوانان بیکار، آزادبخوانان ایران زمین!

در سال پیش زندگی و معیشت کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، کشاورزان، بازنشستگان، بیکاران، غارت شدگان، دستفروشان، کولبران و... در ابعاد بی سابقه به فلاکت کشیده شد. رنج و مشقت فرودستان و زندگی اشرافی فرادستان به شکل عریان تری خود را نشان داد. تعرض به سطح زندگی و معیشت اکثریت شهروندان ایران زمین که محصول غارت و وحشیگری سرمایه داری انگلی و رانتی و نظام پشتیبان آنان است، ابربحران اختلاف طبقاتی را روز به روز تشدید کرده است. سقوط دستمزد و قدرت خرید، بیکاری، نداشتن غذا و مسکن، فقدان ایمنی بهداشتی، سلامتی و امید به زندگی و دهها شاخص دیگر، سیمای زندگی نیروهای کار را ترسیم می کند. مردم غارت شده یاره های نوروزی ولی فقیه را به سخره می گیرند و ترهاتی مانند «مهار تورم، رشد تولید»، «مولد سازی داراییهای دولت»، «جهش تولید با مشارکت مردم» و... را تنها نمک پاشی بر زخمهای بیشمار خود می دانند. چند روز پیش خامنه ای در یک فرار به جلوی وقیحانه، ناهنجای ابربحران بیکاری را بر دوش جوانان انداخت و گفت: «ما یک تعداد جوان داریم در کشور متأسفانه جوانان ما هیچ میل به کار ندارند دنبال کار هم نمی روند نه آموزش کار می بینند نه جستجوی کار می کنند بعضیها هم داریم که دنبال کار هستند منتها کار

را فقط پشت میز نشینی می‌دونن.» کارورزان کشور می‌دانند که حرفهای ولی فقیه نه از روی جهل و یا توهم او، بلکه بر اساس راهکاری مشخص برای پوشاندن ناکارآمدی، دزدی بیشتر از جیب مردم و قربه کردن دزدان قهار، چپاولگران سرمایه های جامعه و باندهای شریک در قدرت و ثروت است. برای حفاظت از چنین نظامی است که رژیم ولایت فقیه تیغ سرکوب را به روی جامعه معترض کشیده است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سرکوب و دستگیری فعالان جنبشهای اجتماعی، اعضای سندیکاها، تشکلهای مستقل کارگران، معلمان، کشاورزان، پرستاران، دانشجویان و صدور احکام زندان برای فعالان نیروهای کار را محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی‌درنگ تمام زندانیان سندیکایی، سیاسی و اجتماعی است.

برخی از واقعیتهای جامعه ایران

یک: نقدینگی، تورم، خط فقر

رسانه های حکومتی به وفور از افزایش نقدینگی، تورم و به دنبال آن فقر گزارش می‌دهند. بر اساس خبرهایی که رسانه های حکومتی پوشش داده اند، تورم نقطه به نقطه، رکورد ۵۰ سال اخیر را شکسته و به ۶۳٫۹ درصد رسیده است. تاثیر این روند فلاکت زا را در گزارش مرکز پژوهشهای مجلس ارتجاع می‌تواند خواند که می‌گوید: «جمعیت زیر خط فقر در ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی حدود ۱۶ میلیون نفر بوده اما در پایان این دهه این جمعیت به بالاتر از ۲۶ میلیون نفر رسیده است.» رسانه های حکومتی در سال پیش گزارشهای بیشماری پیرامون این سرکوب مالی منتشر کرده اند.

روزنامه «ابرار اقتصادی» در شماره روز شنبه ۱۰ تیر به واقعیت مهمی اعتراف می‌کند و آن این که «جامعه ایران دو قطبی شده است، برخی سوار بر موج تورم و اکثریت زیر فشار آن... طبقه متوسط هم فقیر شد... ثروتمندان در حاشیه امن... فرودستان زیر بار بحران تورم.»

روزنامه «خبر جنوب» در روز یکشنبه ۱۹ شهریور نوشت: «زیر خط فقر که هیچ؛ رفتیم روی خط بقا، برخی از خانوارها در خط بقا هستند.»

«کار و کارگر» روز شنبه ۱۱ شهریور نوشت: «۷۰ تا ۸۰ درصد ایرانیان دچار فقر نسبی هستند.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» روز سه شنبه ۲۸ شهریور، به نقل از «مرکز آمار ایران» اعلام کرد: «میزان تورم سالانه استانهای مختلف ایران که توسط مرکز آمار منتشر شده نشان می‌دهد استانهای لرستان (۶۷٫۲ درصد)، کرمانشاه (۶۴٫۴ درصد) و کردستان (۶۳٫۷ درصد) بیشترین نرخ فلاکت را داشته اند.» نرخ فلاکت از جمع نرخ بیکاری و نرخ تورم به دست می‌آید. در حالی که بیکاری بیداد می‌کند، حکومت در سریالی از رفتارهای ارتجاعی، مراکز تجاری و خدماتی را به خاطر مقاومت در برابر حجاب اجباری تعطیل می‌کند. روزنامه «اعتماد» در شماره روز یکشنبه ۱۲ شهریور خبر داد که «۵۲ درصد از واحدهای گردشگری به دلیل رعایت نکردن حجاب پلمب شدند.»

«اقتصاد ملی» در شماره روز چهارشنبه ۸ آذر از «جای خالی رشد اقتصادی در سفره مردم» گزارش داد و روزنامه «امروز» در همین روز گزارش داد که «دولت قادر به حفظ کالاهای اساسی در سفره مردم» نبوده است. «مردم سالاری» در شماره روز سه شنبه ۷ آذر نوشت: «تورم سالانه خوراکی همچنان بالاتر از ۵۰ درصد است و «سازندگی» روز چهارشنبه ۲۹ آذر از «رکورد تورم ۸۰ ساله در سه ماه نخست دولت سیزدهم» خبر داد و نوشت «میانگین تورم در دو سال ابتدایی این دولت ۴۶ درصد بود.»

روزنامه «اسرار» در شماره روز دوشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۲ نوشت: «چهل درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق هستند.» در همین روز روزنامه «امروز» نیز به طعنه نوشت: «درسته که گوشت و برنج نداریم، عوضش ظرف کمتر می شویم.» رابطه بی واسطه میزان تورم با رشد نقدینگی را می توان در آمارهای آرایش شده حکومت هم دید. براساس این آمار، در حالی که در ابتدای روی کار آمدن دولت نقدینگی ۳ هزار و ۹۲۱ تریلیون تومان بوده، این رقم در آذر سال ۱۴۰۲ به ۷ هزار و ۷۸۰ تریلیون تومان رسیده است. افزایش مزبور به دلیل چاپ بدون پشتوانه پول برای جبران کسری بودجه و تغذیه اژدهای فساد حکومتی است. ولی فقیه نظام اینجا هم خود را از بحران کنار کشیده و در روز ۱۰ بهمن سال پیش در دیدار با فعالان اقتصادی ریاکارانه خواستار توقف یا کاهش رشد نقدینگی شد.

مالیات گیری پنهان حکومت از جامعه در قالب تورم، تنها دستبرد آن به سطح زندگی مردم نیست. ابعاد بیدادگری حکومت را می توان در لایحه بودجه ۱۴۰۳ مشاهده کرد که در آن، مجموع درآمدهای مالیاتی خود را ۱۱۲۲ میلیارد تومان تعیین کرده؛ رقمی که دو برابر درآمد نفت است.

دو: ابربحران آب، فرونشست زمین، قتل عام طبیعت

ابر بحران آب که پیامدهای جدی اقتصادی، جمعیتی و سرزمینی در کشور داشته با غارتگری حکومت و در کانون آن سپاه پاسداران، زندگی میلیونها ایرانی را به نابودی کشانده است. غارت آب و سیاستهای خانمان برانداز جمهوری اسلامی موجب فرونشست زمین در گوشه و کنار کشور شده که از جمله می توان به شهر تاریخی و پُر جمعیت اصفهان و شهر تهران اشاره کرد. در شرایط کنونی ۹۴۸۰ شهر و روستا در معرض فرونشست زمین قرار دارند.

روزنامه حکومتی «ابرار» در شماره روز سه شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲ در این مورد نوشت: «نرخ فرونشست زمین در ایران ۵ برابر میانگین جهانی است.»

روزنامه «نقش اقتصاد» در شماره روز شنبه ۱۹ اسفند نوشت «۴۰۰ دشت ایران در محدوده فرو نشست قرمز» قرار دارد. دو سال پیش در بیانیه اول ماه مه تاکید کردیم: «حکومت هم به سفره مردم دستبرد می زند و هم به محیط زیست آنان. این ننگی بزرگ برای حاکمان جمهوری اسلامی است که خوزستان که سرزمین ثروت و منابع سرشار آب است را به تباهی کشانده است و یا زمین شهر تاریخی اصفهان را با برنامه های ضد انسانی اقتصادی چنان تهی از آب کرده که این شهر تاریخی در حال فروپاشی است. در تهران به دلیل افت سطح آبهای زیرزمینی، بستر جغرافیایی این شهر ۳۶ سانتی متر در سال فرو می نشیند و این میزان نشست در هیچ جای جهان تاکنون گزارش نشده است و تهران رکورددار فرونشست زمین در دنیا به شمار می آید.»

روزنامه «خبر جنوب» در شماره روز چهارشنبه ۴ مرداد سال پیش خبر داد که سالانه یک میلیارد مکعب آب از کشور خارج می شود و روزنامه «امروز» در روز شنبه ۱۴ مرداد با اشاره به آلودگی هوا نوشت: «دولت حتی از نفس کشیدن مردم مالیات می گیرد.»

روزنامه «اعتماد» در شماره روز یکشنبه ۱۲ آذر از «قلع و قمع درختان زاگرس به نام "میدان گازی" در منطقه مختار یاسوج در کهگیلویه و بویراحمد بدون مجوز منابع طبیعی پیمانکار» خبر داد.

سه: زندگی فلاکتبار ۲۶ میلیون بازنشسته

در ایران، ۱۷ صندوق بازنشستگی با پوشش حدود ۲۶ میلیون نفر مستمری بگیر وجود دارد. رسانه های حکومتی فاش کرده اند که غارت صندوقهای بازنشستگی موجب ورشکسته شدن ۱۵ صندوق از این تعداد شده است. روزنامه «اعتماد» در شماره روز یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۲ نوشت: «شاخص نسبت پشتیبانی در صندوقهای بازنشستگی نشان می دهد که ۱۵ صندوق به سطح ورشکستگی رسیده اند و فقط ۲ صندوق بازنشستگی در وضعیت بهتری هستند.» نسبت پشتیبانی به معنای «نسبت بیمه پردازان به مستمری بگیران» است.

مهم ترین خواسته های بازنشستگان:

- ۱- بازگشت لایحه دائمی نمودن همسان سازی از طرف دولت به مجلس و تصویب آن توسط نمایندگان و اجرای همسان سازی توسط دولت و تأمین بودجه لازم آن به طور سالانه
- ۲- افزایش حقوقهای سالیانه طبق مواد ۶۴ و ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری بر اساس میزان تورم واقعی در جامعه.
- ۳- تسریع در پرداخت پاداش بازنشستگان ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بر اساس احکام رتبه بندی و اجرا و پرداخت ۱۴ هزار میلیارد تومان بابت متناسب سازی حقوقها، جزء ۳ و ۴ بند (ی) تبصره (۲) قانون بودجه ۱۴۰۱ به صندوقهای بازنشستگی کشوری و لشکری.
- ۴- رعایت حق و حقوق بازنشستگان در بررسی قانون برنامه هفتم توسعه توسط کمیسیون تلفیق مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام و گنجاندن بندها یا موادی که کلیه حقوق قانونی (میزان دریافتی، هزینه های درمانی و امکانات رفاهی و منزلتی) بازنشستگان را طبق عدالت و رفع تبعیض و براساس قانون اساسی در نظر گرفته باشد.
- ۵- تهیه و تنظیم آیین نامه اجرایی ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری با موضوع بیمه پایه و تکمیلی جامع و کامل بازنشستگان به طوریکه تمام هزینه های درمانی را پوشش دهد.
- ۶- تهیه لایحه متمم بودجه ۱۴۰۲ برای افزایش حقوقها متناسب با نرخ تورم و ارسال آن به مجلس بر اساس ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری.
- ۷- پرداخت رفاهیات قانونی نقدی و غیرنقدی همچون شاغلان هر دستگاه به بازنشستگان، مطالبات و دیون ناشی از صدور احکام مهر ۹۹ بابت گروههای ارفاقی، رزمندگی، هزینه های فوت و ازدواج و دیگر معوقات.

چهار: بحران مهاجرت و زندگی طاقت فرسای پرستاران

زندگی پرستاران در ایران بسیار سخت، کار آنان طاقت فرسا و حقوق آنان ناچیز است. بسیاری از مطالبات آنها با تاخیر چند ماهه پرداخت می شود. پرستاران به نحوه اجرای قانون تعرفه گذاری و عدم اجرای فوق العاده خاص و اضافه کاریهای اجباری به دلیل کمبود استخدام پرستار معترضند. فعالان صنفی پرستاری شرایط بحرانی بیمارستانها را ناشی از کمبود ۷۰ هزار پرستار در کادر درمان می دانند.

پرستاران به شرایط سخت زندگی و معیشت خود، در شکلهای گوناگون اعتراضی واکنش نشان می دهند. آنان به تعرفه های پایین و غیرواقعی، اضافه کاری اجباری، پرداخت نشدن به موقع مطالبات، کمبود نیرو، شرایط سخت کاری، وعده های توخالی مسئولان و... معترضند. در تجمعهای صورت گرفته، این زحمتکشان عرصه درمان با سردادن شعار «تعرفه ما کجاست؟ زیر عبای شماست!» نشان می دهند که حکومت را مسئول شرایط سخت زندگی خود می دانند.

شرایط وخیم کار و معیشت، پدیده مهاجرت را به این صنف نیز گسترش داده است. پرستاران در جستجوی زندگی بهتر و رنج کمتر تن به مهاجرت می دهند. در همین رابطه وزارت بهداشت جمهوری اسلامی از کمبود ۲۰ هزار ماما خبر داده است

و روزنامه «فرهیختگان» در ۲۹ خرداد امسال از مهاجرت ۶۵۰۰ پزشک، شامل ۲۳۰۰ پزشک متخصص به خارج از کشور در سال ۱۴۰۱ خبر داد. از سوی دیگر، محمد میرزاییگی، رئیس کل پیشین «سازمان نظام پرستاری»، از مهاجرت «بالغ بر ده هزار نفر از ناب ترین پرستاران» خبر داد. («خبرگزاری مهر»، یکم دی ۱۴۰۲)

ابوالقاسم طالبی، عضو شورای عالی نظام پزشکی پیرامون مهاجرت پرستاران در ایران گفت: «دیگر یک مشکل نیست، بلکه به مرز بحران رسیده است». وی افزود: «در حالی نزدیک به سه هزار پرستار در سال از ایران مهاجرت می کنند که در دانشکده های ما حدود ۱۰ هزار نفر نیرو تربیت می شوند و این حجم خروج از کشور فاجعه است.» او با بیان اینکه هم اکنون «حدود ۲۴۰ هزار پرستار در کل کشور داریم»، گفت: «نسبت پرستار به تخت در کشورهای دیگر جهان حداقل ۳ نفر به ازای هر تخت بیمارستانی و نسبت پرستار به ازای هر هزار نفر جمعیت در جهان، ۳ نفر است؛ اما در کشور ما نسبت پرستار به تخت ۰٫۹۵ به ازای هر تخت است و نسبت پرستار به ازای هر هزار نفر جمعیت، ۱٫۵ است.» («خبرگزاری مهر»، دوشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۲)

پنج: برآشوبیدن فرودستان

همان گونه که بارها اعلام کرده ایم، مهمترین و اصلی ترین مشخصه سپهر سیاسی ایران وجود شرایط انقلابی و بروز جنبشهای انقلابی است. مهمترین نکته در جنبشهای جاری نقش پُرنرنگ تهیدستان و توده های محروم با پیشتازی زنان است که این هم ناشی از ستم عمیق و همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی از نظر قانونی و اجتماعی بر زنان است. گسترش و وسعت حرکتهای اعتراضی نیروهای کار و سازمانیافتگی نسبی آن نشانه های قدرتمند دیگری از تغییر موازنه قدرت بین «بالا» و «پایین» و شکسته شدن ترمیم ناپذیر سلطه ذهنی و عینی حاکمیت است.

در حالی که کارگزاران امنیتی حکومت بارها از مهار جنبشهای اجتماعی سخن گفته اند، اما واقعیت نشان می دهد که اعتراض، اعتصاب، شورش و در یک کلام «انقلاب» ادامه دارد. روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، معاون سیاسی و امنیتی استاندار بوشهر از دستگیری ۸ تن از رهبران اعتصاب کارگری در منطقه پارس جنوبی خبر داد و گفت: «اعتصابات کارگران پارس جنوبی شکسته شده است.» این کارگزار جنایتکار امنیتی مدعی شد که: «این اعتصابات با حمایت شبکه های خارجی بوده است.» (تسنیم)

حکومت با گلوله ساچمه ای چشم مردم را کور می کند و ستمدیدگان با فریادهای اعتراضی چشم سرکوبگران و کارگزاران حکومت را نشانه می گیرند.

در گزارش سیاسی شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که در نیمه دوم بهمن ۱۴۰۱ برگزار شد، به طور کامل به زمینه ها و علل جنبش انقلابی پرداخته شده که تنها یک فراز از این گزارش را تکرار می کنیم:

«مردم با خیزشهای اعتراضی شاکله بی ریخت حکومتی که با تبهکاری و تنها با سرکوبهای بی محابا به حیات ننگین خود ادامه می دهد را به مبارزه سرنوشت ساز طلبیدند... جامعه ای که آستن شورش، قیام و انقلاب بود، تولد دوران نوینی را با عزم و رزم خود اعلام کرد و با تایید این که "انقلاب جشن ستمدیدگان و استثمار شدگان است"، آتش برافروخت و پیرامون آن و دست در دست هم آرزوی "رقصی چنین میانه میدان" را به واقعیت تبدیل کرد.

در برابر این پیکار سرنوشت ساز، ولی فقیه نظام همه شیگردهای خود را به کار گرفته تا با کمک سرکوبگران، غارتگران، انگلها، آدمکشان، تجاوزکاران، لومپنها، جن گیرها و همه آنهايي که فاقد حداقل شرافت هستند، انقلاب را سرکوب و خاموش کند.»*

در سال گذشته همزمان با هزاران حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار، شاهد مراسم پُرشور جشن آتش در شب چهارشنبه سوری، گردهماییهای خانواده های شهیدان و مردم آزادیخواه در مزار شهیدان در پنجشنبه آخر سال، مراسم پُرشور نوروز در شهرها و روستاهای کردستان با شرکت دهها هزار زن و مرد در کنار هم، تظاهرات توده ای در روزهای جمعه در زاهدان، حرکت شجاعانه اعتصاب غذای زندانیان کشور در سه شنبه های «نه به اعدام»، نافرمانی شجاعانه زنان برای تحقق حجاب اختیاری و... بودیم

روز سه شنبه ۱۰ بهمن، پس از انتشار فراخوان هفت سازمان مدافع حقوق بشر، شهروندان در دستکم ۱۲ شهر کرمانشاه، سنندج (سنه)، بوکان، روانسر، مهاباد، دیواندره، مریوان، دهگلان، قروه، سروآباد، بانه و سقز در اعتراض به اجرای حکم اعدام چهار زندانی سیاسی گرد به صورت فراگیر اعتصاب کردند.

ترازنامه حرکت‌های اعتراضی کارگران، معلمان و دانش آموزان، پرستاران، کشاورزان، بازنشستگان، بیکاران، غارت شدگان، دستفروشان و... در سال ۱۴۰۲ را دبیرخانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران منتشر کرده است. بر اساس این ترازنامه، در سال گذشته ۴۰۹۷ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار صورت گرفته است. در این ترازنامه مجموعه ای از شعارهای جنبش بیشماران پوشش داده شده است. (***)

ما همچنین به مناسبت روز دانشجو، ترازنامه دستکم ۴۲۶ اعتصاب، تحصن، تجمع دانشجویی و برخی از بیانیه های صادر شده از طرف دانشجویان و اساتید دلیر کشور، از اول آذر ۱۴۰۱ تا اول آذر ۱۴۰۲، را منتشر کرده ایم. (***)

در روز گرامیداشت رزم طبقاتی کارورزان علیه ارتجاع و بندگی یادآور می شویم، آشوبگریهای خامنه ای در خاورمیانه و قتل عام مردم غزه توسط نتانیاهو و مانورهای جنگی دو طرف جدال، در اراده مردم ایران برای تغییر شرایط اسارت بار حاکم تغییری ایجاد نکرده است. ما تمامی کارگران، کارکنان و مزدبگیران شاغل در مراکز دولتی و خصوصی و تمامی مدافعان آزادی و توسعه پایدار و دمکراتیک را فرا می خوانیم که به پاخیزند و برای سرنگونی نظام ننگین ولایت فقیه متحد و متشکل شوند.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران

مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۲۸ آوریل ۲۰۲۴

(*) گزارش سیاسی به یازدهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در پیوند زیر:

<http://www.iran-nabard.com/N460/gozaresh%20siasi.htm>

(**) ترازنامه جنبش رنگین کمان بیشماران در سال ۱۴۰۲ خورشیدی در پیوند زیر:

<http://www.iran-nabard.com/BILLAN-KAREGARI/1402%20bilan%20kar.pdf>

(***) ترازنامه یک سال جنبش دانشجویی از اول آذر ۱۴۰۱ تا اول آذر در پیوند زیر:

http://www.iran-nabard.com/BILLAN_DANESHJUI/16%20azar%201402.pdf